

بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر اروپای غربی

* الهه خانی آرانی

** ابراهیم برزگر

چکیده

هدف این نوشتار، تبیین بازتاب‌های انقلاب اسلامی بر اروپای غربی براساس نظریه پخش است. با بررسی روابط سیاسی جمهوری اسلامی و کشورهای اروپای غربی بر مهم‌ترین مسایل بین آنها از زمان پیروزی تا دوره گفتگوهای انتقادی و فراگیر و پس از ۱۱ سپتامبر از نظر مبدأ و مقصد پخش بازتاب‌های انقلاب اسلامی تأکید شده است. در مبحث موضوع پخش نیز کوشیده‌ایم تا با استفاده از روش‌های متداول در سنجش بازتاب‌های انقلاب اسلامی و با ارائه شواهد عینی برای اثبات این اثرگذاری، بازتاب احتمالی انقلاب اسلامی بر این کشورها را جستجو کنیم. در پایان پژوهش به موانع و چالش‌های پیش روی جمهوری اسلامی در صدور انقلاب به اروپای غربی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی

بازتاب انقلاب اسلامی، اروپای غربی، اسلام و اروپا، صدور انقلاب.

elahe.khani33@gmail.com

barzegar.2010@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۰/۴/۱۵

*. کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی.

** دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی.

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۵۲

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران یکی از رخداد‌های مهم سیاسی و اجتماعی نیمه دوم قرن بیستم به‌شمار می‌آید که در دو بُعد داخلی و بین‌المللی تأثیر بنیادینی از خود به‌جای گذاشته است. این انقلاب توانست ضمن طرح اسلام به‌عنوان نیروی قدرتمند در جهان مدرن، بر نظریه پایان دوره دین، مهر بطلان بزند و رهیافت‌های متفکران غربی در جدایی دین از سیاست را که به‌طور عموم تحت تأثیر تجارب غربی قرار داشت، به‌چالش بکشد. این انقلاب در عصری با نیروی محرکه و تحول‌زای ارزش‌های دینی به‌پیروزی رسید که آن‌را عصر پایان دین و باورهای دینی می‌نامیدند و دین را به‌جوامع ابتدایی بشر نسبت می‌دادند. با انقلاب اسلامی ایران دین به‌عنصری تعیین‌کننده در حوزه عمومی زندگی انسان از جمله جامعه و سیاست تبدیل شد و جنبه‌های معنوی و ربانی وارد زندگی روزمره، اجتماعی و سیاسی شد. اسلام توانست هم از جنبه نظری (تئوریک) و هم از بعد عملی (پراتیک) عینیت یابد و ظهور و تجلی و مصداق بیرونی و خارجی پیدا کند. (خرمشاد، ۱۳۸۷: ۴۷)

با استقرار چنین نظام سیاسی اسلامی در ایران است که غرب عنوان «اسلام سیاسی» و رهبری آن در جهان را به‌ایران نسبت می‌دهد. به‌گفته «گراهام فولر»:

قبل از انقلاب [اسلامی] ایران، ایالات متحده هرگز از اسلام سیاسی چیزی نشنیده بود. انقلاب ایران شوک عمده‌ای برای سیاست ایالات متحده بود؛ ایالات متحده به‌همراه بیشتر کشورها در غرب و دیگر مناطق، از اسلام سیاسی بی‌مناکند و به‌طور کلی ترجیح می‌دهند که اسلام سیاسی به‌قدرت نرسد. (فولر، ۱۳۷۶: ۳۰ و ۳۱)

انقلاب اسلامی از آغاز پیروزی با ارائه‌گفتمان جدید خود با‌عنوان نه شرقی نه غربی، نظم کهن و سنتی تعلق و وابستگی به‌یکی از دایره‌های شرق یا غرب را به‌طور جدی و عملی به‌چالش کشید. مردود اعلام کردن این نظم کلاسیک مهم‌ترین چالشی بود که انقلاب اسلامی پیش پای نظام بین‌الملل در پایان دهه هفتاد قرار داد. (خانی، ۱۳۸۷: ۳۴۳) همان‌طور که «جان اسپوزیتو» گفته است:

انقلاب اسلامی به‌دلیل جذابیت شعارها، هدف‌ها، روش‌ها، محتوا، نتایج و سابقه

مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی، پدیده‌ای تأثیرگذار در جهان اسلام بوده است. (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۲۴۴)

چگونگی بازتاب انقلاب اسلامی ایران و شاخصه‌های عینی آن، سؤال اصلی پژوهش پیش‌روست. فرضیه ما بازتاب‌های فرهنگی باوجود چالش‌ها و امواج رقیب در این موضوع است. با این حال، اثبات اثرگذاری انقلاب اسلامی در کشورهای مسلمان به‌خودی خود، امری دشوار است؛ [چه رسد به کشورهای غیرمسلمان] و این، به‌سبب محرمانه و سیاسی‌بودن اطلاعات و کلانی متغیرها و پیچیده‌شدن تحلیل و تئوری است. همچنین نسبی‌بودن بازتاب‌ها و اثرات این پدیده سبب شده تا نتوان مقیاس دقیقی برای اندازه‌گیری ارائه داد. در بررسی کلی از مطالعاتی که در بازتاب‌های انقلاب اسلامی بر اروپای غربی صورت گرفته، به‌نظر می‌رسد عمده این مطالعات در حوزه سیاست و روابط خارجی مرتبط با مباحث و مناسبات اسلام و غرب است. ضمن آنکه بسیاری از این مطالعات، مربوط به سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی بوده و شامل تحولات جدید نمی‌شود.

چارچوب نظری

در تبیین بازتاب انقلاب اسلامی ایران، همچون دیگر انقلاب‌ها، رهیافت‌های نظری متعددی از نظریات همگرایی منطقه‌ای و جهانی و کارکردگرایی گرفته تا نظریه پخش، کاربرد دارند. در این پژوهش با درنظرگرفتن شرایط مختلف بازتاب انقلاب اسلامی بر کشورهای اروپای غربی نظیر دوری سرزمینی، بافت اجتماعی - فرهنگی نامتجانس و نوع بازتاب‌ها که به‌طور معمول فرهنگی بوده است، نظریه «پخش» یا «اشاعه» را در بازاندیشی این تأثیرات برگزیده‌ایم. نظریه پخش به‌دلیل ماهیت فرهنگی آن، قابلیت تفسیری یا توضیحی چشمگیری برای نشان‌دادن تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی بر دیگر نواحی دارد. (Kuper, 1985: 203)

اشاعه یا پخش^۱ عبارتست از فرایندی که طبق آن، فرهنگی که علامت مشخصه جامعه‌ای است، در جامعه دیگری به‌عاریت گرفته و پذیرش می‌شود. (پانوف، ۱۳۶۸: ۱۱۳) پخش، شامل

۱. برای واژه Diffusion معادل‌های متفاوتی نظیر پخش، انتشار، تراوش و اشاعه برگزیده شده است.

انواعی چون جابه‌جایی^۱، سرایتی^۲ و سلسله‌مراتبی^۳ است. لازمهٔ پخش، جابه‌جایی و انتقال فیزیکی فرد یا گروه حامل اندیشه است. (جردن و راونتزی، ۱۳۸۰: ۱۶۲) در پخش سلسله‌مراتبی، پدیده‌ها از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات، منتقل و گسترش می‌یابند. (همان: ۱۶۳) در پخش سرایتی، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب صورت می‌گیرد. دونوع پخش سلسله‌مراتبی و سرایتی از نوع پخش‌هایی هستند که با سرعت انتشار بالایی از نوع پخش انبساطی‌اند.^۴ (همان: ۱۶۰) در تبیین و مطالعهٔ بازتاب‌های هر نوآوری سیاسی براساس نظریهٔ پخش، مبدأ و مقصد، بازه زمانی، ابزارها و کانال‌ها و درنهایت، موضوع پخش واکاوی می‌شود. همچنین موانع پخش و امواج رقیب از عوامل کاهش‌دهنده به‌شمار می‌رود که در بررسی بازتاب‌های پدیده و پخش آن بایستی در نظر گرفته شود. (برزگر، ۱۳۸۲: ۲۹)

۱. مبدأ پخش: مکانی است که خاستگاه نوآوری و صدور پیام‌ها و ارزش‌های جدید است.

۲. مقصد پخش: مکان‌هایی است که محتوای پخش یا جریان مداوم پخش به‌این

مکان‌ها می‌رسد.

۳. زمان: دورهٔ زمانی می‌تواند به‌صورت مداوم و یا به‌حالت دوره‌های متمایز از یکدیگر و

متوالی در نظر گرفته شود.

۴. مسیرها و ابزارهای پخش: چنان‌که در نظریهٔ پخش گفته می‌شود، دست‌کم به افرادی

نیاز است که با رفتار خود باعث شوند تا جریان اشاعه خودبه‌خود مانند یک تودهٔ برفی که به

«بهمن» تبدیل می‌شود، ادامه یابد. (حشمت‌زاده، ۱۳۸۱: ۹۴ و ۹۵)

۵. موضوع پخش: موضوعات فرهنگی نظیر شیوع مدهای لباس یا موضوعات فیزیکی -

فرهنگی نظیر مبارزات انقلابی و چریکی دهقانان روسیه و انقلابی‌های کوبا و ... جملگی

می‌تواند موضوع پخش قرار گیرد.

۶. موانع پخش: موانع، چالش‌ها و امواج رقیب ممکن است امواج پخش پدیده را مغشوش

ساخته و از مسیر صحیح آن منحرف کند. (برزگر، ۱۳۸۲: ۲۹)

1. Relocation Diffusion.

2. Contagious Diffusion.

3. Heirarchic Diffusion.

4. Expansion Diffusion.

روش تحقیق

ادعای اثرگذاری انقلاب اسلامی به دو طریق قابل طرح و دفاع است: ۱. اعترافات و اطلاعات مستقیم و آشکار ۲. تحلیل، استدلال و اثبات غیرمستقیم. (حشمت‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۹۲) در روش دوم، استفاده از شیوه‌های آمایش اطلاعات، اصل توالی، تقارن، تشابه و روش تاریخی و جغرافیایی به اثبات بازتاب انقلاب اسلامی در کشورها کمک می‌کند. (همان: ۲۶ و ۳۷) در سنجش این بازتاب‌ها بر اروپای غربی، علاوه بر اعترافات و اطلاعات مستقیم با استناد به اصل تشابه و هم‌شکلی (مثلاً شعارهای تظاهراتی، شیوع رفتارهای مذهبی و ...) می‌توان اثرپذیری پدیده‌های ناشی از انقلاب اسلامی را به روش دقیق‌تری بررسی کرد.

بازتاب انقلاب اسلامی بر اروپای غربی

هر سه‌گونه پخش جابه‌جایی، سرایتی و سلسله‌مراتبی را می‌توان به‌نحوی در مطالعه موردی بازتاب انقلاب اسلامی بر اروپای غربی بررسی کرد. نمونه‌ای از مصادیق پخش جابه‌جایی در اعزام مبلغان به این کشورها و دعوت از نخبگان خارجی است. در پخش سرایتی، تسری موضوعات پخش به نزدیک‌ترین اقشار، افراد و مناطقی است که در مجاورت تغییر و نوآوری قرار دارند. «اثر همسایگی»^۱ در پخش سرایتی، عامل کلیدی تلقی می‌شود. در پخش سلسله‌مراتبی نیز می‌توان نقش عنصر «پیشاهنگ‌ها»^۲ را برجسته کرد. موقعیت استراتژیک ایران و قدرت «فرهنگی» انقلاب اسلامی در پخش سلسله‌مراتبی آن جایگاه ویژه‌ای دارد. بدین سبب، ایران تلاش می‌کند با تأثیرگذاری بر نخبگان فرهنگی، سیاسی و مذهبی و جذب آنان به انقلاب، روند اشاعه فرهنگی را به‌گونه سلسله‌مراتبی محقق سازد.

۱. مبدأ پخش

ضمن آنکه انقلاب اسلامی خود مبدأ پخش بوده، از طریق ایجاد کانون‌های پخش ثانویه،

1. Neighbor Effects.
2. Avant-gard.

به‌بازتولید و رشد گفتمان‌های بدیل نیز منجر شده است؛ به‌ویژه در دهه سوم انقلاب، با گذر زمان و تراکم و اشباع پیام‌های انقلاب اسلامی در منطقه، به‌تدریج این پخش به‌جای تک‌مرکزی به‌چندمرکزی تغییر وضعیت می‌دهد. (برزگر، ۱۳۸۲: ۳۶) برخی کانون‌های ثانویه پخش، نظیر جنبش‌های مقاومت در لبنان و فلسطین و گروه‌هایی در عراق، به‌انتقال هویت اصیل اسلامی، به‌ویژه در انگلستان اقدام کرده‌اند.

۲. حوزه، مقصد و مکان پخش

به‌طور طبیعی محیط حوزه‌های پخش، گاه پذیرا (دارای تجانس فکری، فرهنگی، دینی، اجتماعی و اقتصادی) و گاه ناپذیراست. عوامل پذیرا موجب ایجاد زمینه‌های مساعد و هم‌گرایی و عوامل ناپذیر موجب تأثیرپذیر نبودن از پیام‌های انقلاب اسلامی و واگرایی از آن می‌شوند. (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۸۸) در بررسی بازتاب‌های انقلاب اسلامی بر اروپای غربی به این موضوع برمی‌خوریم که امواج پخش، وارد محیطی می‌شود که در میان بیشتر آحاد این جوامع، محیطی ناپذیرا و دارای شکاف‌های عمیق مذهبی، فکری و فرهنگی، زبانی، اقتصادی، نژادی و ... با انقلاب اسلامی وجود دارد. ضمن آنکه به‌دلیل دوردست بودن بعد مسافت، انتظار تأثیر انبوه پخش انقلاب بر این کشورها نمی‌تواند انتظار معقولی باشد. با وجود این، کانون‌ها و مقاصد پذیرا در این مناطق وجود دارد که امواج و پیام‌های انقلاب را جذب و دریافت کرده‌اند. مسلمانان و به‌ویژه شیعیان در منطقه مذکور از این کانون‌های مهم به‌شمار می‌آیند.

۳. زمان

برخی اندیشمندان بر این اعتقادند که بازتاب‌های انقلاب اسلامی و به‌تعبیر گراهام فولر «تأثیر رفلکسی انقلاب» (فولر، ۱۳۷۳: ۱۵۶) تنها در نخستین سال‌های انقلاب بسیار گسترده و فزاینده بوده و پس از آن به‌تدریج، با گذشت زمان شعاع این اثرات محدودتر شده است. آنها در بررسی عوامل کاهش‌دهنده تأثیرات در کنار افزایش مسافت، گذشت زمان را نیز عامل مهمی در کاهش تعداد پذیرندگان تلقی می‌کنند و معتقدند میزان پذیرش با افزایش زمان

کاهش می‌یابد. (جردن و راوتتری، ۱۳۸۰: ۲۶)^۱ به‌عنوان نمونه «نیکی کدی» معتقد است تأثیرات محسوس انقلاب اسلامی و الهام‌بخشی، برای بسیاری از جریان‌های اسلامی در جهان اسلام صرفاً محدود به‌زمان وقوع انقلاب و چند ماه پس از پیروزی آن است. (Keddie, 1980: 118)

این نوشتار بر این باور است که نگاه خطی در بازانديشي اثرات پديده‌هایی همچون انقلاب اسلامی و ساده‌سازی آن در تحلیل‌های این‌چنینی، ضمن خدشه در درک و دریافت از واقعیات، پیش‌بینی نتایج و آثار را در عمل، دچار نقایصی می‌کند. این بازتاب‌ها در زمان‌های متفاوت، شرایط متغیر ایران، کشور مقصد، منطقه و نظام بین‌الملل به‌گونه‌ای سیال دچار قبض و بسط می‌شود که بایستی در تجزیه و تحلیل این موضوع لحاظ شود. در مطالعه موردی اروپای غربی، بازتاب انقلاب اسلامی در دوره‌های زمانی، از وقوع انقلاب تا پایان جنگ سرد و از پایان جنگ سرد تا واقعه ۱۱ سپتامبر و از این واقعه تاکنون، تجربه‌های تأثیرگذار متفاوتی برجای گذارده است. هرچند این دوره‌های کلی نیز بازه‌های زمانی جزئی‌تری را شامل می‌شود. آنچه اکنون پس از گذشت سی‌سال از پیروزی انقلاب اسلامی ارزیابی می‌شود، این است که در پس‌واژگان ترکیبی خنثایی مانند «اسلام و اروپا»، (ورتوک و پیچ، ۱۳۸۰: ۳۳۳ - ۳۲۸) «اسلام و غرب»، (کارلسون، ۱۳۸۰: ۱۹۴ - ۱۳) «سیمای اسلام در اروپا»، (منصوری، ۱۳۸۲: ۱۶۵ - ۱۱) درواقع، سخن از اسلام سیاسی در غرب و اروپاست؛ چون دیگر سخن از اسلام منفعل و صرفاً اسلام - دین و اسلام - فرهنگ نیست، بلکه سخن از اسلام فعال و پویا و عمل‌گرا یعنی اسلام - تمدن و اسلام - سیاست است. بنابراین، مرزهای اسلام سیاسی بسیار بیشتر از آنچه که انتظار می‌رفت در حال گسترش است. (خرمشاد، ۱۳۸۷: ۴۹)

۴. مسیرها، مجاری و ابزارهای پخش

فراتر از پخش غیرارادی یا رفلکسی، دولت ایران نیز، نه‌تنها مانعی برای پخش نوآوری ایجاد نکرده است، بلکه خود، عامل پخش شده و با اتخاذ سیاست «صدور انقلاب» امکان انتقال با

۱. مشخصات اصلی کتاب:

Jordan, Terry G., Lester R. Wontree The Human Mosaic, Thematic Introduction to Cultural Geography: Harper and Row Publishers, 1986.

سهولت بیشتر آن را فراهم ساخته است. (برزگر، ۱۳۸۲: ۳۶) اصل صدور انقلاب با استفاده از چهار استراتژی الگوسازی، تبلیغ و آگاه‌سازی، آموزش و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش (محمدی، ۱۳۸۱: ۷۱) در تعامل با دیگر کشورها به کار رفته است.

۵. موضوع پخش

موضوع پخش انقلاب اسلامی طیف متنوع و وسیعی از انواع تأثیرات را تشکیل می‌دهند که عبارتند از: لباس و پوشاک اسلامی، حضور بیشتر در مساجد و مکان‌های مذهبی و رونق‌گیری مساجد از جوانان، تأسیس سازمان‌های مذهبی و مبارزه، جدی‌شدن موضوع دین برای جوامع مسلمان‌نشین، الهام‌گیری از تاکتیک‌های مبارزاتی انقلاب اسلامی، مطالبات اجرای شریعت و احترام به شعائر مذهبی، اعتماد به نفس سیاسی، ترویج و تقویت آرمان مبارزه با اسرائیل، ایده وحدت شیعه و سنی، ایجاد جامعه و دولت اسلامی.

یک. نمودهای عینی بازتاب انقلاب اسلامی بر اروپای غربی^۱

الف) رشد و افزایش شمار مسلمانان و شیعیان اروپای غربی
بزرگ‌ترین ره‌آورد انقلاب اسلامی، استقرار حکومت الهی و اسلامی در جهانی سکولار و در عصری است که دین، نقش بیشتری در زندگی خصوصی فرد داشت. احیای ارزش‌های اسلامی و دینداری متأثر از امواج جهانی انقلاب اسلامی ایران، سبب شده تا اسلام در اوایل قرن بیست‌ویکم به‌عنوان دومین دین اروپای غربی به‌شمار رود. شاهد این مدعا بیش از ۱۶ میلیون مسلمانی است که در کشورهای این قطعه از خشکی پراکنده‌اند. (بشاری، ۱۳۸۵: ۷۷) «پیتر فورد» معتقد است:

گرایش جوامع غربی به‌دین مبین اسلام و گسترش هویت‌جویی و رفتار مذهبی بین جوانان مسلمان این کشورها موضوعی غیرقابل انکار است که به‌رغم تلاش رسانه‌ها و کوشش دولتمردان در پنهان نگهداشتن این موج اسلام‌خواهی، شاهدیم که این جریان توجه عموم جامعه را به‌خود جلب نموده است و هر روز شاهد گرایش بیش از پیش این جوامع و به‌ویژه زنان به‌اسلام هستیم. (فورد، ۱۳۸۴: ۵۴)

۱. منابع آماری ذکر‌نشده در این قسمت، از سایت اسلام در اروپا گرفته شده است:

رشد سریع مسلمانان در اروپای غربی، هرچند متأثر از علت‌های متعددی از جمله مهاجرت و نرخ بالای زاد و ولد میان جمعیت مسلمانان است، اما تقویت آگاهی‌های دینی و هویت‌جویی مسلمانان و رشد چشمگیر گروندگان به اسلام، بی‌شک به‌میزان نسبتاً زیادی متأثر از موج اسلام‌خواهی انقلاب اسلامی ایران است.

از طرفی، تعیین میزان دقیق جمعیت و رشد مسلمانان در اروپا به‌دلایل زیادی از جمله حساسیت دولت‌ها، بس مشکل است. دست‌کم بیش از پنج درصد جمعیت اروپای غربی را مسلمانان تشکیل می‌دهند و این رشد تا ده درصد در سال ۲۰۲۰ پیش‌بینی شده است. فرانسه بیشترین میزان مسلمان (۶ تا ۱۰ میلیون) را در اروپای غربی دارد و سپس آلمان و انگلیس در ردیف دوم و سوم قرار دارند. در آلمان حدود ۳/۵ میلیون و در انگلیس هم اکنون حدود ۲ میلیون مسلمان وجود دارد. از سی سال پیش تاکنون شمار مسلمانان میلان ۲۰ برابر افزایش یافته است. (www.islamineurope.com) شیعیان نیز به‌همین نسبت رشد قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند. در انگلیس ۲۰۰ هزار، آلمان ۴ هزار، و بلژیک ۱۰ هزار شیعه زندگی می‌کنند و انگلیس به‌عنوان «پایتخت اسلام در اروپا» شناخته می‌شود. ۲۵ درصد مسلمانان هلند نیز شیعه‌اند. (جعفریان، ۱۳۸۷: ۶۷۷ - ۶۵۹) جمعیت مسلمانان اسپانیا رقمی بالغ بر ۱/۳ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. بنابر آمار منتشرشده اتحادیه جوامع مسلمانان اسپانیا، در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ رشد تعداد مسلمانان در این کشور اروپایی بیش از دوبرابر شده و تنها در سال ۲۰۰۸ بر تعداد مسلمانان اسپانیا ۱۶۵ هزار نفر افزوده شده و تعداد کل مسلمانان این کشور را به ۱/۳ میلیون نفر رسانیده است. (saphirnews.com) امروزه پس از مسیحیت، اسلام به‌عنوان دومین دین بزرگ در سوئد به‌شمار می‌رود و مسلمانان حدود ۳ درصد (۳۰۰ هزار نفر) از جمعیت ۹ میلیون نفری این کشور را تشکیل می‌دهند. اسلام دومین دین بزرگ در نروژ نیز هست و مسلمانان بیش از ۲ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. در سال ۲۰۰۷ آمارهای دولت نروژ حدود ۸۰ هزار نفر را در جوامع اسلامی ثبت کرده بود که در مقایسه با سال پیش از آن ۱۰ درصد افزایش داشته است. در سوئیس نیز شمار مسلمانان از سال ۱۹۹۰ میلادی همچنان رو به‌افزایش است و آمار مسلمانان به چهارهزار نفر می‌رسد. در دانمارک، مسلمانان بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی محسوب می‌شوند و

طبق آمارها فقط در سال ۲۰۰۵، پنج هزار دانمارکی مسلمان شده‌اند. (برای آمار مسلمانان اروپای غربی ر.ک: بشاری، ۱۳۸۵: ۷۶)

بعلاوه انقلاب اسلامی توانسته است با تصحیح تصویر زن مسلمان، تأثیر مضاعفی بر زنان اروپای غربی داشته باشد. شاهد این مدعا رشد شگفت‌انگیز گرایش به اسلام بین زنان این کشورهاست. به‌عنوان نمونه در آلمان ۱۰ هزار نفر در سال ۲۰۰۷ به اسلام گرویده‌اند که ۶۲ درصد آنها را زنان تشکیل می‌دهند. (<http://tabnak.ir/pages/?cid=25065>)
تحصیل کردگان، گردشگران به کشورهای اسلامی و کشیش‌ها و کاتولیک‌های سرخورده از تعالیم کلیسا بخش دیگری از تازه‌مسلمانان به‌شمار می‌روند.

ب) تقویت رفتار مذهبی و هویت‌جویی مسلمانان، افزایش اقبال عمومی نسبت به فرایض دینی و حساسیت‌های اسلامی
انقلاب اسلامی در انقلابی که به‌نام خدا صورت گرفت، اسلام را دوباره در همه‌جا از جمله در اروپا، از حاشیه به‌متن آورد و گفتمان معنویت و مذهب را روحی تازه بخشید. احیای شعائر دینی در انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ به‌بعد به‌طور چشمگیری در این کشورها گسترش یافته است. از نخستین و بارزترین نتایج هویت‌جویی مسلمانان اروپایی، گرایش آنان به‌ظاهری مذهبی و مشارکت در گروه‌ها و اجتماعات اسلامی است. براساس نظرسنجی‌های به‌عمل‌آمده، مشخص می‌شود که مسلمانان در اروپا بیشتر از قبل به مساجد می‌روند و به‌شعائر ماه رمضان پایبندتر شده‌اند و در مقایسه با ده سال گذشته زنان بیشتری حجاب می‌گیرند. (بی‌نا، ۱۳۸۰: ۲۶)

گسترش روزافزون مشارکت مردم و به‌ویژه مسلمانان در اعیاد و مراسم اسلامی روز جمعه و جماعات، آرایش اسلامی مردان و رشد حجاب به‌عنوان سمبل زن مسلمان و حضور در مساجد و تشکل‌های مذهبی، نشان از بالندگی نهال اسلام در اروپای غربی است. (بی‌نا، ۱۳۸۴)
افزایش تعداد مساجد و مراکز مذهبی، یکی دیگر از شاخصه‌های مهم این امر است. به‌عنوان نمونه در سال ۱۹۸۴، فقط ۱۲ نمازخانه در ایتالیا وجود داشت که هم‌اکنون به ۳۵۰ عدد رسیده است. در آلمان تا ۲۰۰۰ نمازخانه، انگلیس ۷۰۰ مسجد، اتریش ۲۰۰ نمازخانه، ایتالیا ۳۰۰ مسجد، هلند ۴۰۰ نمازخانه و در فرانسه ۱۶۰۰ مسجد، به‌ثبت رسیده که این تعداد

در سال ۱۹۷۰، ۳۳ عدد بوده است. (www.salaam.com، 6 اکتبر ۲۰۰۵)

توجه به کتاب‌خوانی و مطالعه آثار دینی از جمله قرآن کریم و رشد مطبوعات اسلامی از دیگر نشانه‌های این بازتاب‌هاست. حتی فروش (هدیه) قرآن در دانمارک و هلند (کشورهای اهانت‌کننده به پیامبر اکرم ﷺ) به‌عنوان پرفروش‌ترین کتاب سال نشان از قوت تأثیرپذیری مردم از اسلام دارد. رشد مؤسسات خیریه اسلامی و بانک‌های بدون ربا، تغییر کتب درسی با استفاده از آموزه‌های اسلامی (به‌عنوان نمونه در آلمان) و روند رو به‌رشد مدارس غیرمختلط، از دیگر نشانه‌های این امر است. همچنین در میان افزایش تقاضای مسلمانان و غیرمسلمانان، عرضه غذای حلال در سراسر اروپا به‌روندی عادی و حتی در حال رشد، تبدیل شده است. (خبرگزاری فارس، ۸۸/۷/۷، کد ۸۸۰۷۰۶۱۶۱۴) ارزش کلی بازار حلال اروپا در حال حاضر ۹۹ میلیارد دلار تخمین زده شده است، درحالی‌که ارزش بازار جهانی ۶۳۹ میلیارد دلار است. حساسیت‌های اسلامی، حتی خود را در گرایش به‌استفاده از نام‌ها و عناوین اسلامی بر اشخاص و مؤسسات آشکار کرده است. به‌عنوان مثال، در برخی شهرهای ایتالیا، بلژیک و انگلیس نام «محمد» در صدر اسامی نوزادان گزارش شده است (بی‌نا، ۱۳۸۸: ۶۴) که نشان از علاقه روزافزون مردم این کشورها به‌اسلام است. آمارهای به‌دست آمده در سال ۱۹۹۰ درباره احیای تفکر دینی نشان می‌دهد که تقریباً ۷۰ درصد مردم اروپا احساس دینداری می‌کنند. تظاهرات هزاران تن از دختران مسلمان فرانسوی (و دیگر مسلمانان در حمایت از آنان) در اعتراض به ممنوعیت استفاده از حجاب اسلامی در مدارس، نشانه آشکار دیگری از پایبندی به‌هویت و ارزش‌های اسلامی در این جوامع است. برخلاف تمام غربت اسلام در اروپا، انقلاب اسلامی سبب شده که اسلام به‌عنوان یک دین، احساس قرابت و هم‌بستگی قابل توجهی بین مسلمانان این منطقه هم ایجاد کند. گرایش‌های پراکنده‌ای که امروزه در شرف ظهور و شکل‌گیری است، طلیعه‌ای امیدوارکننده از نوعی بیداری و خودآگاهی ملت‌های آنهاست. (کاظمی، ۱۳۷۷: ۱۶۸)

ج) رشد مطالبات سیاسی و مشارکت بین‌المللی مسلمانان
بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مشارکت بین‌المللی مسلمانان اروپای غربی، تقویت احساس تعلق آنها به‌امت واحد اسلامی و افزایش حساسیت در مقایسه با تحولات جهان اسلام فزونی

گرفته است که جلوه اولیه این امر، در اعزام به سفر حج دیده می‌شود. برای نمونه در سال ۲۰۰۸ بیش از ۲۵ هزار مسلمان فقط از فرانسه عازم سفر حج شده‌اند که این تعداد، از کشور اسلامی مراکش بیشتر بوده است. افزایش مطالبات سیاسی مسلمانان اروپایی در قالب افزایش تقاضا برای اسلامی‌تر شدن قوانین و وادار کردن دولت به واکنش‌های مثبت و اقله‌ای نیز چشمگیر بوده است. برای مثال، در فرانسه تشکل‌هایی همچون اتحادیه ملی مسلمانان^۱ و اتحادیه سازمان‌های اسلامی^۲ بخش‌های گسترده‌ای از مسلمانان فرانسه را مشمول خود کرده‌اند و بسیار سیاسی‌اند. (زرکا، ۱۳۸۸: ۵)

از مهم‌ترین تأثیرات انقلاب اسلامی، ترویج استکبارستیزی و رویارویی با گفتمان سکولاری حاکم بر نظام بین‌الملل بوده است. به تعبیر روزنامه تایمز لندن:

برای اولین بار یک‌کشور مسلمان به‌طور موفقیت‌آمیزی قدرت‌های بزرگ غربی را به مبارزه طلبید، آنان را تحقیر کرد و به منافع مادی‌شان خسارت وارد کرد.
(بی‌نا، ۱۳۶۸)

از همین‌رو، نفرت مردم اروپا از امریکا و اسرائیل روزبه‌روز افزون‌تر می‌شود تا جایی که برخی دولت‌های غربی نظیر فرانسه، بلژیک، اسپانیا، پرتغال و سوئد از برخی قطعنامه‌های شورای امنیت برضد اسرائیل حمایت کرده‌اند. انبوه تظاهرات‌های ضدجنگ و راهپیمایی‌ها علیه جنایات اسرائیل (از جمله در غزه و لبنان) نشانه‌های بارز این نفرت فزاینده است. صدها کتاب، مقاله، پژوهش و تحلیل اروپایی‌ها درباره انقلاب اسلامی و حتی حدود ۵۵ هزار سایت فقط در مورد امام خمینی علیه السلام نشان می‌دهند که ایران اسلامی ذهن غرب را به‌خود مشغول کرده است؛ درحالی‌که قبل از انقلاب اسلامی، ایران تنها در بین برخی دولتمردان و سیاستمداران رده‌بالا و برخی کمپانی‌های فروش اسلحه شناخته‌شده بود. (جرجیس، ۱۳۸۲: ۶۹)

یکی از مصادیق بازتاب انقلاب اسلامی در ابراز هویت دینی - سیاسی مسلمانان اروپایی، حجم بالای تظاهرات در حمایت از فتوای امام علیه السلام ضد «سلمان رشدی» بود. همچنین تظاهرات گسترده در اعتراض به انتشار کاریکاتورهای روزنامه دانمارکی «یولند پستن» در

1. FNMF.
2. UOHF.

۲۰۰۵ دربارهٔ پیامبر اسلام، نشان‌دهنده افزایش حساسیت‌های مذهبی در این جوامع است. تظاهرات گستردهٔ مسلمانان برلین در اعتراض به فیلم «فیلمی که تمام نشده» ساخته رژیم اشغالگر قدس و همچنین تظاهرات بر ضد اقدام بی‌رحمانهٔ این رژیم در حمله به کاروان آزادی در سال ۲۰۱۰، شاخص دیگری از افزایش حساسیت‌های ضد استکباری و ظلم‌ستیز توده‌های این کشورها دارد.

د) نهادسازی، تأسیس و گسترش مؤسسات مذهبی همسو با انقلاب اسلامی از انقلاب سال ۱۹۷۹ تا امروز شاهد رشد قابل توجه مراکز و مؤسسات اسلامی و شیعی در اروپای غربی هستیم که در اساسنامه یا مواضع و بیانیه‌های خود به حمایت از جمهوری اسلامی برخاسته‌اند.

در انگلیس، قبل از سال ۱۹۷۹ تعداد معدودی مراکز اسلامی همچون «انجمن توحید لندن» وجود داشت که هم‌اکنون این مراکز رشد شگرفی داشته‌اند. «انجمن توحید لندن» از جمله مراکز فعال بدنه دانشجویی ایران در خارج از کشور است که دو تن از افراد فعال این انجمن در گروگان‌گیری سفارت ایران در لندن به شهادت رسیده‌اند. مرکز اسلامی انگلیس، حوزهٔ علمیه لندن، پارلمان اسلامی انگلیس، کالج مسلمانان، مرکز مطالعات اسلامی در آکسفورد، بنیاد اسلامی در مارکفیلد، مرکز مطالعات اسلام و مسیحیت در دانشکده‌های اوکس در بیرمنگام نیز از جمله این مؤسسات است. مؤسسه امام علی علیه السلام، مؤسسه آل‌البیت لندن که دارای ۴۰۰ مدرسه، آموزشگاه و مراکز اسلامی در دنیاست، در ارتباط با ایران و برای تدارک کتب حوزه‌های علمیه فعالیت می‌کند. دانشگاه جهانی مجازی اهل بیت علیهم السلام، همچنین باشگاه جوانان مسلمان انگلیس، حوزهٔ علمیه لندن، حوزهٔ علمیه امام حسین علیه السلام، کالج شهرستانی، جامعة‌المنتظر در منچستر، حوزهٔ علمیه المهدی در بیرمنگام و حوزهٔ علمیه القائم نیز در این زمینه‌ها فعال شده‌اند. (www.hawzah.net) جامعه شیعیان لندن، مرکز آموزشی فرهنگی والعصر، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، حسینیه رسول‌الله الاعظم، اداره جعفری، محفل علی علیه السلام، مجمع جهانی اسلامی (جعفریان، ۱۳۸۷: ۶۶۳ - ۶۵۹)، مرکز اسلامی اهل بیت و شورای امامان ایرلند نیز به فعالیت درباره اهل بیت مشغولند. (www.en.wikipedia.org)

در آلمان، مرکز اسلامی فرانکفورت و مرکز اسلامی هامبورگ که از قبل از انقلاب

اسلامی فعال بوده است، از مراکز مهم فعالیت ایرانی‌ها در آلمان است. (نیلسون، ۱۳۷۲: ۳۷) مرکز اسلامی فرهنگی ایرانیان در برلین، شورای مرکزی مسلمانان آلمان شامل هجده سازمان مرکزی اسلامی نیز از جمله این مؤسسه‌ها هستند. مجلس اسلامی شیعیان آلمان، آکادمی اسلامی آلمان، انستیتوی علوم انسانی و علوم انسانی آلمان و مرکز اسلامی آخن در زمره این نهادها قرار دارند.

در سال ۱۹۷۶ میلادی، بیست مؤسسه اسلامی در فرانسه به ثبت رسیده است. (www.salaam.com) در حال حاضر، چندین حوزه علمیه و ۳۰۰۰ مؤسسه محلی مسلمانان، شورای دینی و فدراسیون ملی مسلمانان فرانسه دارای ۱۰۰ اتحادیه سازمان‌های اسلامی و ... مشغول فعالیتند. برای نمونه، یکی از این انجمن‌ها به نام «ندای اسلام» بزرگ‌ترین تظاهرات‌های ضد سلمان رشدی را سامان داده است.

در ایتالیا، بیشترین شیعیان اروپا در میلان، رم و ناپل ساکنند. تنها نهاد اسلامی قبل از انقلاب اسلامی، CICI مرکز اسلامی فرهنگی ایتالیا بوده است. در عین حال اتحادیه جوامع و سازمان‌های اسلامی، انجمن امداد اسلامی، گروه دعوت انسانی بین‌المللی، در این کشور از حامیان انقلاب اسلامی هستند.

در اتریش، به جز مرکز اسلامی امام علی علیه السلام وین (از قدیمی‌ترین مؤسسه‌های اسلامی)، جامعه اسلامی اتریش، جامعه مسلمانان اتریش با اهداف اسلام‌گرا همگی پس از انقلاب اسلامی بنیان گذاشته شده‌اند.

در اسپانیا، رهبران جوامع اسلامی اسپانیا (شامل ۱۰۰ مجمع اسلامی) و جامعه مسلمانان اسپانیا، مواضعی همسو با جمهوری اسلامی در بسیاری از موارد دارند. در پرتغال، مسجد جامع لیسبون با همکاری جمهوری اسلامی ایران ساخته شده است. در دانمارک، مرکز اسلامی دانمارک (کپنهاگ) و مؤسسه مطالعات خاور نزدیک کارستن نیبهر دانشگاه کپنهاگ از جمله مؤسسه‌های اسلامی این کشورند. در سوئیس، مرکز اسلامی و فرهنگی اهل بیت، در فنلاند مرکز فرهنگی اسلامی حضرت زهرا علیها السلام و در هلند دانشگاه اسلامی رتردام، مجلس اسلامی شیعی و پارلمان شیعی هلند فعالند. (جعفریان، ۱۳۸۷: ۶۷۳ - ۶۷۰) در بلژیک، مسجد امام رضا علیه السلام

(محل نماز جمعه)، مسجد الهدی، مسجد الرحمن، مرکز ثقلین و مرکز اهل بیت از تجمع گاه‌های شیعیان این کشور است. در سوئد در حال حاضر حدود ۶۰ گردهمایی اسلامی وجود دارد. در نروژ نیز ۱۲۶ جامعه ثبت شده اسلامی از کمک‌های دولتی برخوردارند و جوامع اسلامی ۲۱ درصد کل جوامع دینی را تشکیل داده‌اند. رشد و فعالیت این سازمان‌ها همگی نشان از زندگی پرشتاب اسلام در این کشورها دارد.

ه) رشد مراکز ایران‌شناسی، ترویج فرهنگ و زبان فارسی
رشد مراکز ایران‌شناسی و آموزش زبان فارسی از سال ۱۹۷۹ به بعد در اروپای غربی بی‌سابقه بوده است. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، چند انجمن محدود از جمله «انجمن ایران» (لندن)، «مؤسسه انگلیسی مطالعات ایران» و «مؤسسه هندشناسی و ایران‌شناسی» دانشگاه لودویگ ماکسیمیلیان مونیخ در این کشورها وجود داشته است که بعد از انقلاب، مراکز فراوانی به این مجموعه اضافه شده است. انجمن ایران‌شناسی اروپا در رم ایتالیا، (بی‌نا، ۱۳۸۲: ۱۶) انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، انجمن پژوهشگران ایران در پاریس، بنیاد میراث ایران، کانون مطالعات ایران باستان دانشگاه لندن، کرسی ایران‌شناسی دانشگاه بامبرگ آلمان، گروه تحقیقاتی «جهان ایران» پاریس، مرکز مطالعات ایران در دورهام انگلیس از این‌گونه مراکز تحقیقاتی هستند. مرکز مطالعات ایران و غرب لندن، مؤسسه ایران‌شناسی آکادمی علوم اتریش، مؤسسه ایران‌شناسی دانشگاه آزاد برلین نیز از دیگر مراکز مهمند. (همان: ۴۲، ۸۵ و ۸۶) علاوه بر این، مؤسسه‌هایی با تقسیم کار سازمانی متفاوت در رابطه با ایران، همسو یا غیرهمسو ایجاد شده‌اند. همچنین اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان بلژیک، آلمان، فرانسه، سوئد و دانشجویان منچستر نیز از جمله مراکز دانشجویی ایرانی، فعال در خارج کشور و حامی مواضع جمهوری اسلامی هستند که قبل از انقلاب نیز فعالیت داشته و از کانون‌های فعالیت انقلابی‌های خارج از کشور بوده‌اند.

دو. تحلیل اندیشمندان اروپای غربی از بازتاب‌های انقلاب اسلامی بر این کشورها
بسیاری از اندیشمندان اروپایی معتقدند انقلاب اسلامی، اسلام سیاسی را احیا کرده، گفتمان معنویت و مذهب را حیات دوباره بخشیده و به‌عنوان یک تمدن و فرهنگ ضد هژمونی غرب و

ضد فرایند جهانی سازی سکولار نمودار شده است. برای نمونه «راینهارد شولز» در کتاب خود با عنوان «تاریخ مدرن جهان اسلام» بیان می کند که انقلاب اسلامی، آغازی سمبلیک برای دوران جدیدی از اعتماد به نفس در جهان اسلام به شمار می رود. او معتقد است پیروزی انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹م. که مصادف با سال ۱۳۹۹ یا سال پایانی قرن چهاردهم هجری قمری بود را می توان نشانه ای سمبلیک از این واقعیت دانست که قرن پانزدهم قرن احیا و نقش آفرینی اسلام خواهد بود. (Schulze, 2000) به تعبیر نیکی کدی:

حرکت انقلابی ملت ایران با هدف تغییر الگوهای فکری و فرهنگی غربی ای - که بر فضای عمومی جامعه تحمیل شده بود - صورت گرفت تا نظامی مطابق با خاستگاه فرهنگی و تمدنی ایران اسلامی پی ریزی شود. (Keddie 1980: 27)

«اسماعیل کیبکس» فیلسوف برتر اسپانیایی با اشاره به تأثیر امام بر حیات مجدد دین در صحنه زندگی بشر می گوید:

دین زنده شده است، کلیساها جان تازه گرفته اند، توجه به مذهب و اندیشه های مذهبی در دانشگاه ها دیگر، زشت و کم بها تلقی نمی شود. جهان برای نجات و زیبا کردن روابط اجتماعی اش به قدرت دین و جاذبه های معنوی گرایش های شدید پیدا کرده است و این همه ناشی از دعوت نوینی بود که امام با انقلاب دینی اش در عرصه افکار و ذهنیت جامعه جهانی آغاز کرد. (www.daneshnameh.roshd.ir)

«احمد ورسی» سردبیر مجله مسلم نیوز لندن، نیز با تأکید بر جهان شمول بودن هدف های انقلاب اسلامی می گوید:

موفقیت انقلاب اسلامی با یک انقلاب بدون خون ریزی، افکار مسلمانان را تغییر داد و مشخص ساخت که یک چنین عملی (انقلاب) در جهان اسلام امکان پذیر است و امت اسلام قادر است حکومت را اداره کند. دیدگاه ایشان در مورد «نه شرقی، نه غربی» حکومت اسلامی ایران را از ابرقدرت ها مستقل ساخت. امام خمینی تفکر کلیشه ای از حکومت اسلامی به عنوان بازگشت به سال های سیاه را نابود ساخت و برعکس، ثابت کرد که اسلام همچنان نیرویی پویاست که قادر به راهبری امت در اجتماع به اصطلاح مدرن و فوق مدرن کنونی است. (بی نا، ۱۳۷۲)

پروفسور «یاوس اوس» از رهبران مسلمان آلمانی‌زبان با اشاره به تأثیر عظیم حضرت امام در دنیای معاصر اظهار می‌دارد:

امام خمینی بیدارگر همه موحدان در عصر ماست. احیای دین و معنویت در روزگاری که سیطره مادیت و ابزار مادی و اندیشه‌های ضدمعنوی، جامعه بشری را در چنبره خود گرفته بود، مدیون امام خمینی و یاران انقلاب اسلامی است.
(www.daneshnameh.roshd.ir)

«محمد انسل»، رئیس مرکز فرهنگی تجدید حیات اسلام در اتریش در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر نهضت امام خمینی بر اروپا» می‌نویسد:

بی‌تردید انقلاب اسلامی امام خمینی نه تنها تصویر تازه‌ای از اسلام در اروپا ارائه کرد، بلکه حتی زندگی مذهبی غیرمسلمانان را هم دگرگون ساخت. (همان)

این عبارت را رئیس‌جمهور سابق اتریش در یک سخنرانی بیان کرد که «انقلاب اسلامی به تمام افراد مذهبی اعتبار و اتکا به نفس تازه‌ای ارزانی داشت». (همان) دکتر «عادل عبدالمهدی»، مدیر مرکز پژوهش‌های اسلامی در فرانسه هم می‌گوید:

امام چهارده قرن را در اعمالش خلاصه کرد... ما خیلی خوشبخت هستیم که در عصر امام خمینی زندگی می‌کنیم، گویی در عصر پیامبر اکرم (ص) زندگی می‌کنیم. مردم جهان همه مشتاقند از تعالیم امام خمینی پیروی کنند. در اکثر کشورها جنبشی آغاز شده، حتی در جوامع غربی ما می‌بینیم که مسایل مذهبی تحت بازنگری قرار گرفته است. (همان)

«احمد هوبر» اندیشمند و روزنامه‌نگار تازه‌مسلمان سوئیسی نیز در تشریح تأثیرات عظیم انقلاب اسلامی می‌گوید:

تأثیرات این قیام اسلامی، امروز در اروپا محسوس است. امام خمینی نه تنها مسلمانان را بیدار کردند، بلکه بر جهان غیراسلام نیز از خود تأثیراتی برجای نهادند. (همان)

به تعبیر «برنارد لوئیس»:

در سال ۱۳۵۷ تحولاتی در ایران آغاز شد که به تغییرات عمده‌ای، نه تنها در

حکومت، بلکه در کل جامعه آن کشور انجامید و پی‌آمدهای آن، مرزهای ایران را درنوردید و به‌بیرون از کشور رسید... انقلاب ایران تأثیری شگرف در کل جهان داشته است. (لوئیس، ۱۳۷۸: ۲۵ و ۲۶)

همچنین انقلاب اسلامی مورد استقبال بسیاری از پست‌مدرنیست‌های اروپایی نیز قرار گرفته است. به‌نظر «فوکو» حرکت انقلابی مردم ایران، جنبشی کاملاً بدیع، بی‌سابقه و متفاوت با حرکت‌های انقلابی کلاسیک است. (فوکو، ۱۳۷۷: ۳ / ۲۲ - ۲۰)

۶. موانع و چالش‌های بازتاب انقلاب اسلامی بر اروپای غربی

مخالفت دولت‌های اروپای غربی با آرمان‌های انقلاب اسلامی، کارکرد منفی رسانه‌های اروپایی در راستای اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی، عملکرد گروه‌های تروریستی اسلام‌گرا از جمله القاعده و تأثیر آن بر تصویر غربی از اسلام و درنهایت، عملکرد برخی کشورهای اسلامی مخالف جمهوری اسلامی همچون عربستان سعودی در تشدید اختلافات داخلی جهان اسلام مهم‌ترین موانع و چالش‌های فراروی انقلاب اسلامی در اروپای غربی است. جریان‌های مقابله با اسلام و هادیان امواج اسلام‌ستیزی در جوامع غربی را می‌توان در گروه‌های مختلفی دسته‌بندی کرد: گروه‌های صهیونیستی، مسیحیان صهیونیست، جریان‌های کاتولیک صلیبی، جریان‌های قومی ارتدوکس متضاد با مسلمانان، گروه‌های نژادپرست و آشوبگر، جریان‌های سیاسی، لائیک‌های مهاجر از کشورهای اسلامی و ایدئولوژی‌های انحرافی و ضداسلامی (همانند بهائیت، مارکسیسم و...). (امینیان، ۱۳۸۷: ۱۰۹)

یک. اقدامات اسلام‌ستیز و ضدایرانی دولت‌های اروپای غربی

اصول اساسی انقلاب اسلامی از یک‌سو، استکبارستیزی و اهمیت‌یافتن اسلام به‌عنوان مکتب سیاسی و اجتماعی و از سوی دیگر، مبارزه آشکار با رژیم جعلی اسرائیل، انقلاب اسلامی را از طرف دول غربی نوعی خطر بالفعل و تهدید جدی تلقی کرد. علاوه بر آن، رشد سریع جمعیت مسلمانان، هویت‌جویی و اسلام‌خواهی فزاینده در این منطقه، عامل وحشت مضاعفی برای اروپای غربی شد، چراکه آنان مسلمانان را جانشینی برای هویت منتخب و سیاست‌های عمومی جامعه خود محسوب کردند. پیش‌داوری‌ها و پیشینه ذهنی منفی اروپاییان از حضور

تاریخی اسلام در اروپا و دانش اندک آنها دربارهٔ اسلام و همچنین پایین‌تر بودن سطح استاندارد زندگی در میان کشورهای اسلامی در مقایسه با اروپا، عوامل تشدیدکننده این موانع نیز بود. در این صورت، مقابله با انقلاب اسلامی و بازتاب‌های آن در سراسر جهان سکولار، از جمله اروپای غربی با شدت بیشتری در دستور کار قرار گرفت. تهدید، مهار، فشار و حتی براندازی این نظام چه در جنگ تحمیلی و چه پس از آن با حمایت برخی از این کشورها عملیاتی شد و در داخل خاک اروپا پروژه‌های اسلام‌هراسی، ایران‌هراسی و همانندسازی (ادغام) مسلمانان^۱ کلید خوردند.

در جریان پیروزی انقلاب اسلامی، روابط سیاسی ایران و اروپای غربی تحولات و فراز و نشیب‌های مختلفی را تجربه کرده است. زمانی روابط، بسیار سرد و پرتنش بوده و در مقاطعی دیگر، فضای مساعد و روند رو به‌رشدی بر روابط آنها حاکم شده است. (بی‌نا، ۱۳۸۳: ۲۳۳) دورهٔ اول این روابط از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا اوایل دهه ۹۰ میلادی، همواره با تنش روبه‌رو بوده است. ماجرای گروگان‌گیری کارکنان سفارت آمریکا در تهران، جنگ ایران و عراق، مسئلهٔ حقوق بشر در ایران، مخالفت ایران با روند مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل و بالاخره مسئله صدور فتوای قتل سلمان رشدی از موانع تنش‌زا در روابط ایران با اتحادیه اروپا در این برهه بوده است. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۲۱۹) کشورهای بزرگ اروپایی، از جمله فرانسه، انگلیس و آلمان نه‌تنها تهاجم عراق را محکوم نکردند بلکه به‌حمایت همه‌جانبه از صدام ادامه دادند. (جعفری ولدانی، ۱۳۷۲: ۷۳) از اوایل دهه ۹۰ میلادی با وجود برخی تحولات در روابط، نظیر تصمیم اتحادیهٔ اروپا برای گفتگوی انتقادی^۲ با ایران یا پیروی نکردن از ایالات متحده در تحریم اقتصادی ایران، کم‌تحرکی در روابط طرفین همچنان تداوم داشت. از بیانیه سال ۱۹۹۲ سران جامعه اقتصاد و اروپا در «ادینبورگ»، گفتگوهای انتقادی با اروپا تا زمان رأی دادگاه می‌کونوس ادامه داشت و با اعلام سیاست تنش‌زدایی دولت خاتمی گفتگوهای فراگیر^۳ بین ایران و اروپا و رفت‌وآمدهای مقامات مهم طرفین شروع

1. Integration.
2. Critical Dialogue.
3. Comprehensive Dialogue.

شد. این گفتگوها در مقایسه با گفتگوهای انتقادی سال‌های قبل که بیشتر سیاسی بودند، حول محورهای اقتصادی - تجاری قرار داشت. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۲۳۲) به‌طور کلی می‌توان گفت روابط ایران و اروپای غربی پس از انقلاب اسلامی شکننده و بی‌ثبات بوده و با گام‌های لرزانی پیموده شده است.

از سویی با رخ‌دادن حوادثی چون مطرح‌شدن مسئله حجاب در مدارس غرب، انتفاضه فلسطین، حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ و وقوع سلسله حوادث کوچک‌تر مانند بمب‌گذاری در متروی پاریس و دیگر شهرهای اروپایی، (و حوادثی چون قتل فیلم‌ساز اسلام‌ستیز هلندی «تئودور ون گوگ») اسلام و مسلمانان در اروپا در معرض گستاخانه‌ترین اتهام‌ها و تحقیرها قرار گرفتند. (نقیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۴-۷) این نگرانی‌ها سبب بیگانه‌ترسی هرچه بیشتر اروپاییان و توجه آنان به احزاب شده است (مدرسی، ۱۳۸۵: ۹۳) و اسلام فویبا (ترس غریزی از اسلام) گرایش به احزاب نژادپرست و افراطی ضدبیگانه را افزوده است. (نوع‌پرست، ۱۳۸۳: ۸۷)

علاوه بر ایجاد محدودیت‌های هرچه بیشتر و کنترل بی‌سابقه فعالیت مسلمانان مانند نصب دوربین‌های مداربسته در مساجد، طرح کلی استحاله فرهنگی آنان و همانندکردن آنان با فرهنگ اروپایی در اولویت سیاست‌گذاران اروپایی قرار گرفته است. فرانسه کشور به‌اصطلاح مهد آزاداندیشی اروپایی، با بیشترین جمعیت مسلمان در قاره اروپا، رویکردی منفی نسبت به مسئله حجاب به‌عنوان حکمی اسلامی که باید بانوان رعایت کنند، رواج داده است. مسلمانان فرانسه با وجود جمعیت چند میلیونی خود، نه‌تنها برخلاف یهودیان از داشتن مدارس خصوصی محروم هستند، بلکه در سال ۲۰۰۴ قانون منع استفاده از نمادهای اسلامی در این کشور به‌تصویب رسید.^۱ در بلژیک نیز با وجود نبودن منع قانونی، محدودیت‌های بسیاری برای حجاب زنان مسلمان اعمال می‌شود. علاوه بر محدودیت‌ها در زمینه روسری و برقع بانوان مسلمان، محدودیت‌ها حتی در ساخت مساجد و مناره‌ها نیز جلوه‌گر شده است. در سوئیس

۱. بحث حجاب زنان مسلمان در فرانسه، از آنجا شروع شد که در اکتبر ۱۹۸۹، سه دانشجوی محجبه از دانشگاه «گابریل هاوز» اخراج شدند. مواردی که توسط قانون ۲۰۰۴ ممنوع اعلام شده شامل حجاب زنان مسلمان، عرقچین یهودیان و صلیب بزرگ مسیحیان می‌باشند. اما در عمل، این محدودیت‌ها فقط در قبال مسلمانان اجرا می‌شود.

ساخت مناره به‌عنوان نماد اسلام ممنوع شده است. دشواری‌های متعدد در احوال شخصی مسلمانان نظیر برگزاری نماز در وقت خود و افطار در ماه رمضان، مرخصی ایام حج، مسایل عقد و طلاق، ارث اسلامی، خوراکی‌های حلال در مدارس، پادگان‌ها، محل کار و ...، سخت‌گیری در قوانین مهاجرت و پناهندگی، آموزش دینی و کمبود کتاب‌ها و منابع معتبر و صدها مشکل حل‌نشده دیگر برای مسلمانان این کشورها نیز در جای خود قابل بررسی است.

دو. اسلام‌هراسی رسانه‌های اروپایی

نقش رسانه‌های سکولار و ضداسلامی که بیشتر وابسته به کانون‌های صهیونیستی‌اند، در اجرای پروژه اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی چشم‌پوشی نمی‌شود. از تأسیس و گسترش شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی دولتی و غیردولتی مخالف جمهوری اسلامی تا حمایت از اپوزیسیون خارج‌نشین در این کشورها و تا هتاک‌های برخی از مطبوعات به‌ساحت پیامبر اسلام ﷺ، همگی اقداماتی هستند که در راستای جنگ نرم و ناتوی فرهنگی ضداسلام و جمهوری اسلامی کلید خورده‌اند. از سویی چهره اسلام در کتاب‌های درسی این کشورها بسیار مشوش و غلط‌انداز است، به‌طوری که از اسلام چهره دین جنگی یا وحشی ارائه می‌شود. این تعصب‌های دینی چنان که گفته شد، زمینه‌های تاریخی حدود پانصدساله دارد و شامل تشویش و تحریف حقایق تاریخی است. (بشاری، ۱۳۸۵: ۸۰) انتشار کاریکاتورهای موهن درباره پیامبر اکرم ﷺ از سوی «یولند پستن» و ۲۰ روزنامه دانمارکی، مقالات «کوری بولتینگ»، نویسنده دانمارکی در سال ۲۰۰۶ ضد رسول اکرم ﷺ که همگی با خشم مسلمان جهان روبه‌رو شدند و ترجمه قرآن به‌زبان دانمارکی و نوشتن آرای شخصی به‌عنوان تفسیر قرآن، همگی مواردی از این دست هستند که در راستای اسلام‌ستیزی صورت گرفته‌اند. ([www.islamineurope.com / p=2183](http://www.islamineurope.com/p=2183))

رسانه‌های این کشورها در مبارزه رسانه‌ای خویش با ساخت فیلم موهن «فتنه» توسط عضو مسیحی افراتی پارلمان هلند «گرت ویلدرز» بیشترین تلاش را برای ایجاد ترس در بین مردم از مسلمانان صورت داده‌اند. به‌عنوان نمونه‌ای دیگر، مجله پرتیراژ «تایم» طرح جلد شماره ۲۸ فوریه ۲۰۰۵، خویش را به‌نمایش تصویری از تابلوی «مونالیزا» که محجبه شده و

پوشش اسلامی دارد، اختصاص داد تا بدین روش، خوانندگان را متوجه خطر مسلمانان برای غرب سازد. در همین راستا تعدادی از احزاب افراطی نروژ با هدف اسلام‌هراسی در این کشور مدعی شدند نروژ تا سال ۲۰۸۵ میلادی کشوری اسلامی خواهد شد.

سه. امواج رقیب

برای مقابله با اسلام سیاسی مطابق با الگوی انقلاب اسلامی، هم رهبر غرب لیبرال (آمریکا) و هم رژیم‌های وابسته به آن در منطقه و جهان اسلام، به‌ویژه عربستان سعودی، درصدد خلق بدیلی برای آن برآمدند. شعارهای اسلامی و مترقیانه انقلاب همچون نفی شرق و غرب، آزادی قدس، نفی استبداد و مردم‌سالاری و ... این دولت‌ها را به‌طور کامل منفع‌ل می‌کرد. واکنش این کشورها، مقابله با انقلاب اسلامی به‌ویژه با تقویت شکاف شیعی - سنی، حتی در کشورهای اروپای غربی را برانگیخت. (خرمشاد، ۱۳۸۷: ۵۲ - ۴۵)

عربستان با تأسیس و فعال کردن مؤسسه‌های اسلامی رقیب جمهوری اسلامی در این منطقه وارد کارزار شد. این امر البته باوجود روابط حسنه دولت‌های اروپایی با اعراب سرعت بیشتری یافت. تشکیلات وسیع «رابطه العالم الاسلامی»، تأسیس مساجد اهل تسنن، ترویج وهابیت به‌منزله نسخه اصیل اسلام و ... از این‌گونه اقدامات بوده است. درحقیقت، تلاش عربستان سعودی نمونه پخشی است که ماهیت مفهوم اصیل انقلاب را دچار نوعی وارونگی کرده و آن‌را، با هدف مقابله با پخش انقلاب اسلامی به‌دیگر جوامع عرضه کرده است. (برزگر، ۱۳۸۲: ۳۶)

نتیجه

انقلاب اسلامی ایران با مایه‌های اثربخش خود، به‌کلیه کشورها وارد شده و در هر کجا بنا به شرایط و مقتضیات، در نقطه‌ای از زمان، کشوری را به‌تحول و جنبش کشانده است. این مایه‌های اثربخش به‌طور طبیعی و یا ارادی و برنامه‌ریزی‌شده ازجمله در اروپای غربی بازتاب یافته و دولت‌ها، ملت‌ها و سازمان‌های دینی و سیاسی را با شدت و ضعف‌های مختلف متأثر کرده است. هرچند بازتاب انقلاب اسلامی ایران در این کشورها به‌اندازه «بازتاب‌های

فرهنگی» محصور مانده است. بازتاب تأثیرات انقلاب اسلامی در این کشورها در سه دهه اخیر ظاهراً محسوس نیست و فرصت تجلی انقلاب اسلامی در جنبش‌های اسلام‌گرا چندان چشمگیر نبوده است؛ با وجود این، احیای هویت دینی این جوامع، بازگشت اخلاق و دین به عرصه اجتماع و سیاست، تقویت روحیه استکبارستیزی و مبارزه با سلطه‌طلبی ابرقدرت‌ها از بارزترین پیام‌های انقلاب اسلامی در اروپای غربی بوده است. تجدید حیات دینی و بازگشت معنویت به جهان معاصر، به اعتقاد بسیاری مرهون انقلاب اسلامی است.

نشانه‌های عینی این تأثیرگذاری در رشد گرایش اروپا به دین اسلام، تأسیس و گسترش مؤسسه‌های اسلامی، مساجد و حوزه‌های علمیه، بروز روزافزون رفتار مذهبی و ... جلوه‌گر شده است. افزایش تعداد مراکز تحقیقی و پژوهشی ایران‌شناسی و ترویج زبان فارسی و فرهنگ ایرانی نشان از افزایش جاذبه ایران پس از انقلاب اسلامی در این ممالک دارد. انقلاب اسلامی باعث تحکیم و توسعه نهادها و مؤسسه‌های مذهبی در اروپای غربی شده است و البته گرایش‌های سکولار و لائیک و همچنین برخی گروه‌های نزدیک به وهابیان، راه تنافر، دوری و واگرایی از انقلاب اسلامی را در پیش گرفته‌اند. موانع و چالش‌های بسیاری از جمله مخالفت‌های دولت‌های این کشورها، پیشینه و تصویر منفی و تحریف‌شده از اسلام، عملکرد گروه‌های افراطی مدعی اسلام‌گرایی، در مقابل بازتاب‌های ویژه انقلاب اسلامی خودنمایی می‌کنند.

منابع و مأخذ

۱. امینیان، بهادر، ۱۳۸۷، «اسلام‌ستیزی در غرب: دلایل و ویژگی‌ها»، فصلنامه سیاست خارجی، بهار ۱۳۸۷.
۲. برزگر، ابراهیم، ۱۳۸۲، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی»، دوفصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال پنجم، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۸۲.
۳. بشاری، محمد، ۱۳۸۵، «اقلیت‌های اسلامی در غرب، چالش‌ها و چشم‌اندازها: نمونه اروپا»، مجله اندیشه تقریب، سال ۳، شماره ۱۳.
۴. بی‌نا، ۱۳۷۲، «مهم‌ترین ویژگی امام از دیدگاه متفکران جهان»، هفته‌نامه سروش، سال پانزدهم، شماره ۶۴۷، ۱۳۷۲/۳/۸.

۵. بی‌نا، ۱۳۸۴، «من مسلمانم، اروپا خانه من است»، روزنامه جام جم، ۱۳۸۴/۲/۵.
۶. بی‌نا، ۱۳۸۰، «مسلمان بودن و اروپایی بودن»، گزارش هفته‌نامه تایمز، ماهنامه سروش جوان، بهمن ۱۳۸۰.
۷. بی‌نا، ۱۳۸۲، راهنمای مراکز ایران‌شناسی، بولتن ویژه، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، شماره ۸۲/۱۰۴/۱۶.
۸. بی‌نا، ۱۳۶۸، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۱۹.
۹. بی‌نا، ۱۳۸۳، کتاب اروپا ۳، ویژه روابط ایران و اروپا، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، چاپ اول.
۱۰. پانوف، میشل و میشل بدن، ۱۳۶۸، فرهنگ مردم‌شناسی، ترجمه اصغر عسکری خانقاه، تهران، نشر ویس.
۱۱. پیتر، فورد، ۱۳۸۴، «زنان اروپایی و گرایش به اسلام»، ماهنامه سیاحت غرب، شماره ۳۲.
۱۲. جرجیس، فواز، ۱۳۸۲، آمریکا و اسلام سیاسی، ترجمه محمد کمال سروریان، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۳. جردن، تری و لستر راوتنری، ۱۳۸۰، مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات.
۱۴. جعفری ولدانی، اصغر، ۱۳۷۲، «نظم نوین جهانی و موقعیت ایران»، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی.
۱۵. _____، ۱۳۸۲، روابط خارجی ایران، انتشارات آوای نور، چاپ اول.
۱۶. جعفریان، رسول، ۱۳۸۷، اطلس شیعه، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول.
۱۷. حشمت‌زاده، محمدباقر، ۱۳۸۱، «انقلاب اسلامی و کشورهای مسلمان»، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۸۱.
۱۸. _____، ۱۳۸۷، تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم.
۱۹. خانی، محمدحسن، ۱۳۸۷، «انقلاب اسلامی ایران و نظام بین‌الملل»، در: جلال

- درخسه، گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۰. خرمشاد، محمدباقر، ۱۳۸۷، «انقلاب اسلامی ایران و اسلام سیاسی»، در: جلال درخسه، گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۱. رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۶، *تضاد و توسعه*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۲. زرکا، اف، شارل، ۱۳۸۸، «اسلام در فرانسه سکولار»، *ماهنامه پگاه حوزه*، شماره ۲۶۸.
۲۳. عابدی گنابادی، «علل رشد اسلام هراسی در اروپا»، *ماهنامه بیداری اسلامی*، شماره ۲ و ۳، تیر و مرداد ۱۳۸۸.
۲۴. فوکو، میشل، ۱۳۷۷، *ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند؟*، ترجمه حسین معصومی همدانی، جلد ۳، تهران، هرمس.
۲۵. فولر، گراهام، ۱۳۷۳، *قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.
۲۶. _____، ۱۳۷۶، «اسلام سیاسی و غرب» (گزارش سمینار)، *ماهنامه اسلام و غرب*، شماره ۵ و ۶.
۲۷. کارلسون، اینگمار، ۱۳۸۰، *اسلام و اروپا: همزیستی یا خصومت*، ترجمه داوود وفایی و منصوره حسینی، تهران، انتشارات باز (مرکز بازشناسی اسلام و ایران).
۲۸. کاظمی، سیدعلی اصغر، ۱۳۷۷، *بحران جامعه مدرن*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۹. لوئیس، برنارد، ۱۳۷۸، *زبان سیاسی اسلام*، ترجمه غلامرضا بهروز لک، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۰. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۱، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
۳۱. مدرسی، فاطمه، ۱۳۸۵، «هویت اروپایی و مسلمانان اروپا»، *پایان‌نامه فارسی*، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
۳۲. منصوروی، سیدمحمد، ۱۳۸۲، *سیمای اسلام در اروپا*، تهران، انتشارات باز (مرکز بازشناسی اسلام و ایران).
۳۳. الموصلی، احمد، ۱۳۷۸، *اصول‌گرایی اسلامی و نظام بین‌المللی*، ترجمه مهرداد آزاد

اردبیلی، تهران، انتشارات کیهان.

۳۴. نقیب‌زاده، احمد و عباس صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۷، «تحلیل ریشه‌های اسلام‌هراسی

در غرب»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، پاییز ۱۳۸۷.

۳۵. نوع‌پرست، زهرا، ۱۳۸۳، «ترکیه و دودستگی آرا»، ماهنامه اطلاعات سیاسی -

اقتصادی، بهمن و اسفند ۱۳۸۳.

۳۶. نیلسون، جوجن، ۱۳۷۲، *مسلمانان اروپای غربی*، ترجمه سیدمحمد روئین‌تن، انتشارات

اطلاعات.

۳۷. ورتوک، استیون و پیچ سری، ۱۳۸۰، *اسلام در اروپا: سیاست‌های دین امت*، ترجمه

کاووس سیدامامی، تهران، انتشارات باز (مرکز بازشناسی اسلام و ایران).

38. Keddi, Nikki; 1995, *Iran and The Muslem Word: Resistance And Revolution*, London, Macmillan.

39. Keddie ,Nikki, 1980, *Oil, Economic Policy and Social Conflict; Race and Class*, London, Frank Cass.

40. Kuper, Adam, 1985, akdJessica Kuper (ed); *The Socience Encyclopedia*; London, Reutledge and Paul.

41. Jordan, T erry G., Lester Rwontree, 1986, *The Human Mosaic, Thematic Introduction to Cultural Geography*: Harper and Row Publishers.

42. Schulze, Reinhard, 2000, *Modern History of Islamic World*, London, Touris.

پایگاه‌های اینترنتی

www.farsnews.ir/ id= 88070611614, 7/7/88

<http://tabnak.ir/pages/?cid=25065>

www.hawzah.net

www.daneshnameh.roshd.ir

www.bbcParsian.com

www.islamineurope.com

www.salaam.com

www.saphirnews.com

www.en.wikipedia.org